

تاریخچهء نظافت بدن

نوشتهء وینیفريد گالاگر

مترجم: عبدی کلانتری

در عصر جدید و در جهان غرب - جهانی که به تمیزی خو کرده - ممکن است تصور کنیم که نظافت شخصی چیزی است که همهء مردم به یکسان در همه جا قبول دارند. اما در سفری به هند، نخستین چیزی که نظر مرا جلب کرد این بود که در مستراح بسیار تر-و-تمیز هتل، نه خبری از {صندلی} توالت آشنای من بود و نه از دستمال توالت! در عوض، یک سوراخ برای نشستن سرپا روی آن، یک شیرآب، و یک آفتابه وجود داشت.

به تدریج که این حقیقت در ضمیر من ته-نشین شد که جهان به دو گروه تقسیم می شود، آنها که خود را می شورند و آنها که خود را دستمال می کشند - و هر گروه به برتری روش خود ایمان راسخ دارد - این نکته را هم متوجه شدم که در هند، مانند بسیاری از مناطق جهان، مردم از قدیم الایام نه تنها به نظافت، بلکه به طهارت هم می اندیشیده اند؛ نظافت مربوط به تمیزی بدن است، اما طهارت، علاوه بر بدن، مربوط به پاکی روح نیز می شود، یا دستکم با منزلت دینی و فرهنگی ارتباط پیدا می کند. از همین رو، اگر یک هندوی مؤمن با جسمی نجس تماس حاصل کند، حتا اگر دوش بگیرد و صابون بکشد، بازهم از لحاظ مذهبی ناپاک به حساب می آید.

گوناگونی های فرهنگی دربارهء دو مفهوم «پاک» و «ناپاک» هم به تاریخ نوع بشر به طور کلی مربوط می شود و هم به تاریخ نظافت بدن به طور اخص. یک خانم تاریخنگار بریتانیایی به نام «ویرجینیا سمیت»، استاد «مدرسهء عالی بهداشت و طب گرمسیری در لندن» به تازگی کتابی به نام «تمیز» منتشر کرده است. این کتاب تحقیقی است دربارهء «جنبه های تجربی و مادّی» ی عمل نظافت و «تصورات غیرمادی {معنوی}» دربارهء طهارت. او در ابتدای این کتاب مشاهده می کند که تشریفات مربوط به رسیدگی به سر و وضع و ظاهر، ریشه در رفتار اجداد ما، پستانداران بدوی، دارد.

در حقیقت، از ابتدا تا همین اواخر، یعنی تا قرن هفدهم میلادی، در آثار نقاشان و هنرمندان، تصاویری از زنان مرفه را داریم که با غرور تمام مشغول گرفتن شپش های کودکان شان هستند، درست مثل میمون هایی که بچه های خود را می جورند و کک زدایی می کنند - این هم نوعی مهارت است که شاید امروزه، با بازگشت شته و ساس رختخوابی، می ارزد که دوباره به آن مجهز شویم.

با فرارسیدن عصر مفرغ (۴۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح)، اجداد ما تا آن حد پیشرفت کرده بودند که به زبان عصر خودشان به وضعیت «الو» (ellu) رسیده بودند، واژه ای که در تمدن بین النهرین به معنی «پاکیزگی زیبا» بود و شامل مراتب زیادی از «مراقبت شخصی» می شد. مثل امروز، در آن دوران نیز مردم متمول با انواع محصولات زیبایی و تشریفات خاص به سر و وضع خود می رسیدند - شست و شوی تن و اصلاح صورت، آرایش مو، استفاده از لوازم آرایش صورت، مانیکور و پدیکور و نظایر آن. آرایش و آراستگی به طور روزافزون نشانه منزلت اجتماعی محسوب می شد. سرزمین مصر، نخستین پایتخت نظافتِ دولوکس به شمار می آید که در آن آداب آرایش و مومیایی کردن مردگان به اجرا در می آمد.

کسانی که دو فیلم سینمایی «بن هور» و «تروی» را دیده اند، می دانند که یونانیان و رومیان باستان به نظافت اهمیت بسیار می دادند. در کتابی به نام «ناگفته های کثیف درباره تمیزی»، روزنامه نگار مقیم تورانتو (کانادا) خانم «کاترین آشن برگ»، از حماسه «اودیسه»ی هومر آغاز می کند. یونانیان نه تنها بهداشت و نظافت بدن را برای ما به ارمغان آوردند، که بخشی از تندرستی عمومی محسوب می شود، بلکه حمام عمومی را نیز مرسوم کردند که مکان معاشرت هم بود. رومیان همین مفهوم را از یونانیان گرفتند و گرمابه های عمومی ای پدید آوردند که بنا به تحقیق خانم آشن برگ، اهالی می توانستند در آنها، در آن واحد از خدمات سلمانی، مداوای طبی، و سکس بهره بگیرند.

با سقوط روم و اشاعه مسیحیت، دوران گرمابه - چه عمومی چه خصوصی - سپری شد و عصر غسل تعمید فرا رسید. بزرگان کلیسا، مانند بنیانگذار دین خود، تزکیه روح را به تمیزی ظاهری ارجح می شمردند، زیرا نظافت راه را برای «گناهان تن» هموار می کرد. به این ترتیب، یک زاهد مسیحی که از سر و پای او انگل و آفت بالا پایین می رفت و بوی گند بدن اش همه جا را می گرفت، قدر و منزلتی والا داشت و مظهر پالودگی به حساب می آمد. (در همان حال، مُشرکان، بی دینان، و یهودیان، آزرده خاطر می شدند از اینکه عیسا افراد ناپاک را لمس می کرد، کسانی چون جذامی ها، زنان مشکوک، و حتا جنازه ها - پیروان مسیح حتا اجساد قدیسان و قبور آنها را تکریم می کردند.)

قرن های متمادی، زنان شوهردار یهودی، تا قبل از سن یائسگی، از همه پاکیزه تر بودند زیرا خلوص و پاکی دینی ایجاب می کرد که هرماه به شست و شوی کامل پردازند.

وضع نظافت در قرون وسطا کمی بهتر شد، به ویژه پس از آنکه سپاهیان جنگهای صلیبی، حمام ترکی را وارد سرزمین خود کردند. روابط عاشقانه دربار شاهان قرون وسطا نیز، خوش سلیقگی و نظافت را می طلبید. به زودی «شنبه حمام» در همه جا مرسوم شد. گرمابه های عمومی از استقبال مردم بهره می بردند و به نحو مطلوبی هم اداره می شدند. زنان باردار، از این گرمابه ها برای «دراز کشیدن» تفریحی به همراه دوستان و نزدیکان شان استفاده می کردند. پاریس و لندن پر از این گرمابه های سرخوش بود که به آنها «ستو» (محل بخار / stew) می گفتند. بعدها همین عنوان را به خانه های عشرت دادند.

دوران تاریک نظافت در قرن شانزدهم آغاز شد. ترس از امراض باعث شد که مردم دیگر حمام نکنند و به کلی از شست و شو بپرهیزند. به عقیده خانم آشن برگ، طاعون باعث این رفتار شد. طاعون، از خود چندان جنازه باقی می گذاشت که خواباندن آنها در گورهای جمعی، به گفته یکی از اهالی فلورانس، مثل درست کردن لایه های لازانیا بود (غذای چندلایه ایتالیایی). اما به عقیده خانم ویرجینیا سمیت، عامل اصلی، بیماری سفلیس بود که در قرن شانزدهم بیداد می کرد. طیبیان آن دوره که شناختی نداشتند، اعلام کردند شست و شو و آبتنی خطرناک است زیرا پوست بدن را به روی «بخارات» می گشاید و همین بخارات، انواع بیماری ها را منتقل می کنند.

سران کلیسا اعلام کردند اماکن شست و شو باعث تحریک امیال جنسی می شوند و امر به بستن گرمابه ها دادند. از قرن شانزدهم تا قرن نوزدهم، در بیشتر اروپا، یک فرد می توانست از گهواره تا گور را سپری کند بدون آنکه یک استحمام جدی کرده باشد. به گفته خانم آشن برگ، در این دوران «آب دشمن محسوب می شد و می بایست به هر بهایی از آن پرهیز کرد.»

اکثر روایات مخوف و طنز آمیزی که درباره کثیف بودن مردم شنیده ایم از «عصر طلایی کثیفان والامقام» می آید. در این دوران، اشراف زیر جواهرات و لباسهای زرق و برق دار و پوست خز، مملو از شپش و بوی گند بودند. در انگلستان، ملکه الیزابت با سربلندی اعلام کرد از حالا ماهی یک بار حمام می کند، «چه به آن نیاز داشته باشد چه نداشته باشد.»

در اسپانیا، طی دوران تفتیش عقاید، مسیحیان با وحشت بسیار میان خود زمزمه می کردند که خدا به دور، «شایع است که یهودی ها و مسلمان ها به حمام می روند!» در فرانسه هم پاکیزگی ارجی نداشت؛ مثلاً در تالارهای کاخ ورسای می بایست هر هفته فضولات انسانی را جمع آوری می کردند و بیرون می بردند.

کسانی که بدن شان از شدت چرک بو می داد، به جای استحمام، مرتب لباس های پاکیزه به تن می کردند. این لباس ها در میان اهالی هلند به یک مُد و تب مصرف تبدیل شده بود. هنگامی که جان وسلی در سال ۱۷۹۱ آن گفتهء مشهور خود را بر زبان آورد که «پاکیزگی همان مقام الوهیت را دارد»، منظور او بدن پاکیزه نبود بلکه لباس های تازه و تمیز بود.

پس از این دوران طولانی عَفَن، خانم ویرجینیا سمیت می پردازد به اینکه چگونه اروپا آرام آرام به عصر روشنگری گام گذاشت و در این دوران چطور جنبش های اجتماعی گوناگون هریک به شیوهء خود نظافت را تعریف کردند. در بریتانیای قرن هفدهم، تأثیرات توأمان فرقه های اصلاح طلب پروتستان و گرایش های نئوکلاسیسیست به سمت بهداشت یونان باستان، باعث شد که مفاهیم «آرامش، پاکیزگی، و بی گناهی / بی آلاشی» در کنار هم بیایند. هوای خنک، سبزیجات، و حمام به مُد روز تبدیل شد و در حقیقت خود گرمابه و حمام شاخص یک مرد انگلیسی شد.

در قرن نوزدهم، انقلاب صنعتی، دود و دوده را در شهرهای پر ازدحام پخش می کرد و آن ها را هر روز کثیف تر از روز قبل به جا می گذاشت. شاهزاده آلبرت که محبوب ملکه ویکتوریا بود، از بیماری تیفوئید درگذشت. این بیماری از امراض تازه ای بود که با گسترش شهرنشینی شیوع پیدا کرد و به همین سبب، اصلاح طلبان انگلیسی مسألهء بهداشت عمومی و پاکیزگی شهری را به امری سیاسی تبدیل کردند.

شهرها به تدریج به سیستم های فاضلاب، و خانه ها به لوله کشی داخلی مجهز شدند. سود این تسهیلات در اکثر اوقات به شهروند متوسط الحال می رسید نه به اشرافی که ترجیح می دادند در خلوت خود، استحمام کنند. حتا تا سالهای ۱۹۲۰، یک خانم متشخص انگلیسی که در لگن مخصوص و قابل حمل در اتاق خلوت خود تن می شست، با تحقیر می گفت، «حمام مال خدمتکاران است.»

در اواخر قرن نوزدهم، ایالات متحده به مراتب از اروپا تمیز تر بود. شهرهای کوچک و بزرگ در این کشور جوان، تازه ساز تر بودند و ساده تر می شد آنها را به سیستم های بهداشت شهری و آبرسانی از سوی شهرداری مجهز کرد. آمریکایی ها به نوآوری و ابداع علاقه داشتند و هتل های آمریکایی با افتخار تبلیغ

می کردند که دارای دوش و مستراح سیفون دار هستند که جهانگردان را به خود جلب کنند. به مرور که زنان جوان هرچه بیشتر در دفاتر و کارخانه ها شاغل می شدند، کمبود خدمتکار خانگی باعث می شد که تکنولوژی شست و شو رشد کند و به خانه های معمولی برسد. در عصر بهبود طبقاتی و ارتقاء منزلت اجتماعی در آمریکا، نویسنده آموزشگر سیاهپوست «بوکر تی واشنگتن» در مؤسسه تاسکجی «دستورات الاهی مسواک کردن» را موعظه می کرد.

وقتی که بحث به نظافت در عصر مدرن می رسد، کتاب خانم آشن برگ، جذاب تر از کتاب خانم سمیت می شود. در فاصله سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰، تبلیغات تجاری ندا دادند که برای نظیف بودن، نه تنها آب و صابون، بلکه اختراعات تازه تر مثل دئودورانت ضد عرق، ومایع دهان شوی ضرورت دارد.

«محصولات زنانه» (به قول داروخانه های جدید) خود کتابی جداگانه طلب می کند. چه کسی خبر داشت که نخستین نوار بهداشتی برای قاعدگی زنان، همان بود که در جنگ جهانی اول برای پانسمان زخم سربازان مورد استفاده قرار می گرفت؟ مدتها قبل از آن آگهی های مبهم مارک «مودس» که فقط از کلمه «زیرا» استفاده می کرد و یک زن زیبا را در روپوش خواب نشان می داد، مارک نوار بهداشتی «کوتکس» در اصل تبلیغی بود که در آن تصویر چند پرستار زن و چند سرباز مرد را نشان می داد.

با آنکه خانم سمیت عصر جدید یا مدرنیته را از جهت ثبت مدارک مربوط به نظافت و از لحاظ جذابیت تاریک اش، برتر از دوران دیگر می پندارد، تعلق عاطفی او بیشتر متوجه مصری های باستان و پیورتن های مسیحی است. البته او این نکته جالب را متذکر می شود که به احتمال زیاد خواننده کنونی این مطلب هم در طول زندگی اش، تغییر در مفاهیم مربوط به نظافت را تجربه کرده است. این روزها چرکی خود را به شکل آلودگی محیط زیست نشان می دهد و جنبش های «سبز» [مدافع طبیعت] نماینده پاک و پالودگی هستند.

هردوی این مؤلفان، خانم ویرجینیا سمیت و خانم کاترین آشن برگ، کتاب شان را با این نظر به اتمام می رسانند: «هرچه پدیده ها بیشتر تغییر کنند در اصل به همان صورت اول باقی می مانند.» آشن برگ با لحنی تمسخرآمیز، یافته های یک بررسی را ذکر می کند که نیمی از جمعیت فرانسه هنوز به طور روزانه حمام نمی کنند اما از لحاظ مصرف عطر و اودوکلن و لوازم آرایش از بقیه اروپا جلوترند. علاوه بر وجود صدها محصول «ضد باکتری»، ما به مراتب بیشتر از نیاکان مان که بارها کثیف تر بودند، نگران نظافت خود هستیم.

خانم آشن برگ می نویسد، بدون شک صدسال بعد مردم به دوره حاضر «با حیرت نگاه می کنند و در عجب می مانند که نظافت معمولی به چه چیزهایی اطلاق می شود.»

هردوی این کتاب ها که درباره تاریخ نظافت نوشته شده اند به ناگزیر اطلاعات مشابهی را دربر دارند اما نحوه ارائه مطلب در هر یک، مشخص می کند که جای کتاب در کجا است. کتاب «تمیز» کامل تر و آکادمیک تر است، با عناوین فرعی مورد علاقه انتشارات دانشگاهی و هشتاد صفحه یادداشت و منابع؛ و نویسنده آن خانم ویرجینیا سمیت اعلام می کند که، «من بدون خجالت به دنبال جریان های جهانشمول هستم اما خودم را یک تاریخنگار محلی اروپایی (بریتانیایی) بیشتر نمی دانم.» از سوی دیگر، خانم کاترین آشن برگ مؤلف کتاب «ناگفته های کثیف درباره تمیزی»، اثر زنده تری نوشته است که مملو از قصه ها و شایعات درباره افراد متمول یا مشهور است. نظر شما درباره سیاستهای ناپلئون هرچه باشد، خوب است بدانید که او هر روز یک حمام دوساعته می گرفت. در پایان، خوانندگان این دو کتاب می توانند تصمیم بگیرند که کتاب اول را در اتاق مطالعه بگذارند و کتاب دوم را در توالت. ///

منبع مقاله:

Winifred Gallagher, **Bath and Body Works**,
Wilson Quarterly, winter 2008, p. 89

مشخصات دو کتاب بررسی شده:

CLEAN

A History of Personal Hygiene and Purity
By Virginia Smith
Oxford University Press, 457pp. \$30.00

THE DIRT ON CLEAN

An Unsanitized History
By Katherine Ashenburg
North Point Press, 358pp. \$24.00

*